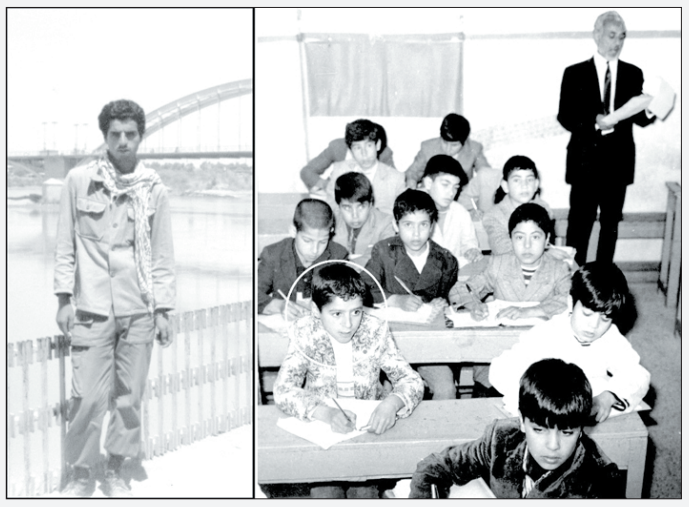

زهرا میرمعزی، مادر سرباز شهید، سید احمد میرمعزی:
دلم نمی‌خواست درِ خانه را باز کنم

احمد فرزند دوم خانواده و همیشه شاگرد ممتاز مدرسه بود. در جریان انقلاب اسلامی دانش‌آموز رشته ریاضی، فیزیک دبیرستان خوارزمی تهران بود. همزمان برادر بزرگش هم دانشجوی دانشگاه شیراز بود. احمد برایش نامه نوشته بود که "برادر! جایت را در خوابگاه دانشگاه به کسی نده تا من بیام". بعد انقلاب دیپلم‌اش را با معدل بالایی گرفت، اما با شروع انقلاب فرهنگی دانشگاهها تعطیل شد.

از آنجایی که جنگ عراق علیه ایران شروع شده بود، رفت برای اعزام به خدمت سربازی ثبت‌نام کرد و به جای دانشگاه رفت جبهه. اهواز که بود هر چهل روز، ده روز به مرخصی می‌آمد و هر بار هم از وقایع جنگ می‌گفت و اینکه "دشمن همه چیز مردم را به غارت می‌برد و دختران و زنان را به اسارت می‌گیرد و..."

آخرین بار که به مرخصی آمد اواخر اسفند ۱۳۵۹ بود. حال عجیبی داشت. مثل همیشه نبود. انگار کلافه بود. هنوز مرخصی ده روزه‌اش تمام نشده بود که اولین روز نوروز ۱۳۶۰ شال و کلاه کرد که برگردد جبهه. هرچی گفتم حالا که زود است میخواهی بروی؟ انگار اصلا حرف هایم را نمی‌شنود. چاره‌ای نبود. طبق معمول هرباری که به مرخصی می‌آمد، لباس‌ها و وسایل همیشگی‌اش را که شسته بودم داخل ساکش گذاشتم که ببرد. اما ساکش را هم نبرد و گفت "دیگر به این وسایل احتیاج ندارم". کمتر از دو ماه مانده بود که خدمت سربازیش تمام شود. من فکر کردم چون اواخر خدمت‌اش هست ساکش را نمی‌برد. چیزی نگفتم. قرار بود از مسجد مهدیه اعزام شوند. با اینکه منزل ما هم به مسجد نزدیک بود، اما پاهایم توان حرکت نداشت. حال عجیبی داشتم و با همه بدرقه‌های قبلی‌ام تفاوت داشت. لذا داخل خانه بدرقه‌اش کردیم و رفت.

او رفت و آشوبی که در دلم راه افتاده بود تا چهل روز ادامه داشت. اما این‌بار بعد چهل روز به مرخصی نیامد. درحالی که مرتب در دلم امروز و فردا می‌کردم که بیاید، صدای زنگ در خانه قلبم را از جا کند! نمی‌دانم چرا اصلا دلم نمی‌خواست در خانه را باز کنم اما خودم را گول زدم که شاید احمد باشد. پایم را کشان کشان به پشت در رساندم. در را که باز کردم سربازی سلام داد و سراغ پدر احمد را گرفت.

گفتم رفته است مزرعه و خانه نیست.

گفت: شما خانه‌تان سرباز دارید؟

گفتم: بله پسرم.

وقتی فهمید مادر احمد هستم رنگش پرید و دست و پایش را گم کرد.

گفتم: چطور مگه. اگه چیزی شده به من بگو.

سرباز در حالی که به من من افتاده بود گفت: نه چیزی نشده است. اما اگر حاج آقا آمدند بگویید یک سر بیایند پادگان.

گفتم: صبر کن خودم می‌آیم. و بدون اینکه جوابش را بشنوم نفهمیدم چطوری رفتم اتاق و چادرم را سر کردم. اما جلوی در که آمدم دیدم کسی نیست.

ظهر یکی از روزهای اردیبهشت بود و دسترسی به پدرش نداشتم. به برادر شوهرم زنگ زدم و ماجرا را برایش گفتم. او هم قرار شد برود پادگان و خبرش را هم به من بدهد.

برادر شوهرم که آمد مثل همیشه نبود. هرچه اصرار کردم که چکار داشتند و چی گفتند؟ هیچی نگفت. قسم که دادمش گفت هیچی نیست احمد زخمی شده است. حالا دیگر کم مانده بود که به دست و پاهایش بیفتم که مرا ببرد و احمد را ببینم. اما گفت در بیمارستان ارتش تهران بستری شده و تا برویم تعطیل شده است. اما فردا می‌رویم.

او گفت احمد زخمی است و در بیمارستان تهران بستری، اما من تا آخرش را خوانده بودم و همه‌اش خدا خدا می‌کردم که فردایی در کار نباشد. اما بود و داشتند اعلامیه‌اش را از من قایم می‌کردند که بالاخره دیدم...

***حسن شکیب‌زاده**

معرفی کتاب

مجنون هور

***مریم بدر رجایی**

این کتاب به قلم محمد آقا میرزایی در سال ۹۴ در ۸۷ صفحه توسط انتشارات سوره مهر روانه بازار شده است. این کتاب از مجموعه قصه‌های فرماندهان است که در قالب داستان و روایت‌های کوتاه به معرفی سرداران شهید می‌پردازد.

سردار علی هاشمی در سال ۱۳۴۰ در اهواز متولد شد. با شروع جنگ تحمیلی ارتش متجاوز صدام علیه ایران، تیپ ۳۷ نور را در جنوب کشور تشکیل داد و پس از عملیات بیت‌المقدس، سپاه بستان و هویزه را تأسیس کرد. وی پس از تشکیل قرارگاه سری نصرت و با ارایه طرح کلی عملیات‌های خیبر و بدر، مسئولیت سپاه ششم امام جعفر صادق(ع) را عهده‌دار شد که حاصل آن سازماندهی ۱۳یگان رزمی و پشتیبانی در استان خوزستان بود. سردار هاشمی، تیرماه سال ۱۳۶۷ در جزیره مجنون به شهادت رسید.

***وصیت نامه شهید علی هاشمی**

خدایا از اینکه در رختخواب ذلّت نمردم خیلی شکرگزارم. (بنده حقیرکوچکتراز آن هستم که وصیتی داشته باشم ولی به خاطر این که ما که می‌رویم و شماها عقیده و هدف ما را بدانید و آن را ادامه دهید این چند کلام را می‌نویسم:

ای امّت، سیل خروشانی که هرگونه ذلّت وخواری رابا خود می‌برید و در لجن زارها می‌سپارید، مبادا امام تنها بماندهرچند که این منافقان وضدّ انقلاب‌ها این آرزو را دارند ولی شما این آرزویشان رابا جسد هایشان به گور بفرستید. شما امّت شهید پرور، اسطوره صبر و ایستادگی هستید، مبادا کاری کنیدکه درچشم دشمنان، خود را ضعیف، نشان دهید.

وای امّت مسلمان، شما نگذارید، منافقان و ضدّ انقلاب‌ها بر تشییع جنازه‌ام بیایند و بدانید که این منافقان هرگاه قدرت به دستشان بیفتد، آن چنان با شما رفتارمی کنندکه مغولان با ایرانی‌ها کردند. به قول امام عزیزمان که می‌فرمایند: منافقین از کفار بدترند، به راستی چه سخن درستی است؛چون این منافقان هستندکه خون شهیدان ما را پایمال می‌کنند.

ای امّت شهید پرور ایران، مارفتیم، ولی مسئولیتش را بردوش یک به یک شما گذاشتیم و آن رسوایی منافقین است و حفاظت از خون شهدا.

شما همیشه خون ما را زنده نگه دارید، تا اسلام زنده بماند.

یک عکس حضرت امام خمینی برسر قبرم بگذارید، که از عکس خودم بزرگتر باشد، امید است که مرا از سربازان خود بداند.

و شمای جوانان برومند حزب‌الله ایرانی، گر چه من درسنّ جوانی به سوی معشوق شتافتم، ولی شما بدانیدکه من بی‌هدف نبوده‌ام.

آیا علی اکبر امام حسین (علیه‌السلام) بی‌هدف بود، یا حضرت ابوالفضل بی‌هدف بود. مگر می‌شود، سرباز روح‌الله بی‌هدف باشد و این را بدانید در جوانی پاک بودن، شیوه پیغمبری است.

ای جوانان عزیز! هر چند که خون ما به ناحق و برای حق ریخته شد، ولی باعث شدکه درخت اسلام شاداب بماند، تا میوه آن که آزادی است به دست دشمن نرسد.

ای امّت شهید پرور، هر کس به دست این منافقان شهید بشود، بدانید خار چشم آنان بوده و چون مانعی بوده با شهید کردن، این مانع را از سرراه برداشته اند، ولی نمی‌دانند، خون شهیدان مانعی دیگری شود سر راه آنها.

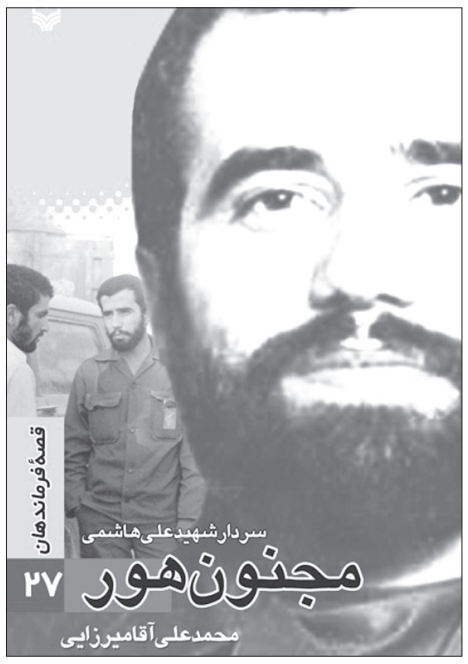

خداوند امکان شهید شدنم در بیابانی بی‌آب قرار ده که هم چون مولایم امام حسین(علیه‌السلام) تشنه شهید بشوم.

خداوند می‌خواهم موقع شهید شدن، سر از بدنم جدا شود، تا در محضر سیدالشهدا سلام‌الله علیه سر افکنده نباشم.

خداوندا! می‌خواهم هنگام شهادت هردو دستم از بدن جدا شود تا درمحضرپرچم دارالاسلام حضرت ابوالفضل شرمنده نباشم.

هرچند که من لیاقت پرچمدار حسین (علیه‌السلام) را نداشتم، ولی امیدوارم که در پرچمداری مولایم خمینی پیش قدم باشم. چه خوش است با ندای توحید و با بانگ‌الله اکبر به استقبال شهادت رفتن.

***برشی از کتاب**

صدای شلیک گلوله و انفجار خمپاره‌ها یکدم قطع نمیشد. جزیره مجنون،مثل یک بیمار تب‌دار می‌لرزید.با هر انفجار،گرد و خاک ازبین الوارهای سقف میریخت پایین.علی هاشمی فرمانده سپاه ششم امام جعفر صادق پریشان و ناارام گوشه سنگر فرماندهی قرارگاه نصرت کز کرده بود وبه صدای بی‌وقفه انفجارها و خش خش بی‌سیم گوش میداد.به یک نقطه زل زده بود و تمام مدت ریش پرپشت وسیاهش را با دست صاف می‌کرد.یک پا را تو سینه جمع می‌کرد،آرام سرش را به جلو و عقب تاب می‌داد وبعد پای دیگه رو میگرفت تو سینه.

لحظه به لحظه یک نفر از در سنگر تو می‌آمد و هر جا که می‌توانست مینشست.از شدت انفجارهایی که هر لحظه بیشتر می‌شد،الوارهای سقف سنگر می‌لرزید واز میانشان گردو خاک پایین می‌ریخت.

علی سر بلند کرد و رو به فرمانده محورهای جزیره گفت:دشمن تک سنگینی را در محورهای طلاییه و مجنون اجرا می‌کند به نیروهای تحت امرتان دستور عقب نشینی بدهید.

گلوله‌های توپ و خمپاره مثل باران از آسمان می‌بارید. صدای بی‌سیم یک لحظه هم قطع نمی‌شد. همه حاضران انگار شوکه شده باشند،در سکوت یکدیگر را نگاه کردند وبا دهان‌های باز و چشم‌های گشاد به این طرف سر برگرداندند. گویی منتظر بودند تا علی بزند زیر خنده وبگوید و بگوید که این حرف‌ها را به قصد مزاح بر زبان آورده است. باورشان نمی‌شد علی هاشمی که جزیره را ناموس خود می‌نامید، فرمان عقب نشینی و ترک جزیره را داده باشد.

بکی از بسیجی‌ها هراسان پرید توی سنگر و با صدایی بریده بریده گفت:حاجی،دشمن حمله شیمیایی کرده است.وضعیت بچه‌ها خیلی بد است. می‌گویند نمی‌شود زیر این آتش مقاومت کرد،بعضی از این بچه‌ها ماسک هم ندارند.

این را گفت و به سرعت از سنگر بیرون رفت. انگار که منتظر جواب نبود.علی سردرگم بود و مانند پرنده زخمی بال بال می‌زد. به همه بچه‌ها نگاه کرد.هی می‌نشست وباز بلند می‌شد وقتی ناراحتی و بهت را توی چشم‌های مضطربشان دید،به شانه پاسداری که در کنارش نشسته بود دستی زد و گفت: برادر کوچی، دوست ندارم ناراحتتان کنم، ولی همه شما باید به عقب برگردید. من می‌مانم تا شماها عقب بکشید. همه به یکدیگر نگاه کردند و انتظار چنین دستوری را نداشتند.. تمام بچه‌ها که فرماندهان رده بالای منطقه هور ومجنون بودند. نی زار در هجوم گلوله‌ها میلرزید و صدای هلی کوپترها نزدیک و نزدیک‌تر می‌شد. همه چیز از این حکایت داشت.

که جز صدور فرمان عقب نشینی چاره دیگری نبوده است. علی رو برگرداند و به جانمازی که ته سنگر پهن شده بود نگاه کرد و به یاد کعبه افتاد که همین چند ماه پیش جلوی آن ایستاده بود یاد حسی ناگهان آرام شده، چشمانش را بست.

ناگهان آرام شده، چشمانش را بست. به این فکر کرد که صاحب آن خانه بر او و تمام اتفاقاتی که می‌افتد ناظر است. جلو رفت و رو به قبله ایستاد.انگار که در دنج‌ترین جای جهان ایستاده باشد.آرام قامت بست و با صدای بلند برای خواندن ذو رکعت نماز نیت کرد.حالا دیگر میان فرماندهان هم جنب و جوشی افتاده بود؛ همه برخاستند و پشت سرش صف بستند...

عکس فوق متعلق است به خانم ساناز قربانی فرزند پرویز که دارای عقب ماندگی ذهنی بوده و قادر به تکلم نمی باشد و از تاریخ ۱۴۰۱/۳/۱۶ از منزل خارج شده و تاکنون مراجعه نکرده و مفقود شده است لذا از کسانی که از نامبرده اطلاع دارند با شماره ۰۹۱۸۲۱۱۶۴۷۳ تماس حاصل نمایند و مژدگانی دریافت کنند. همدان

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده نوبت اول

جلسه‌ی مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده نوبت اول شرکت تعاونی چهار هزار و چهارصد و شصت و شش توسعه و عمران شهرستانی آکو سازان آبادگر در ساعت ۱۱ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۰۵ در محل قانونی شرکت برگزار میگردد. لذا از کلیه اعضاء دعوت بعمل میشود شخصاً و یا وکالتاً جهت اتخاذ تصمیم نسبت به موضوعات ذیل در این جلسه حضور بهم رسانند.

ضمناً به اطلاع می رساند:

۱ - برابر با (ماده ۱۰) دستورالعمل نحوه نظارت بر انتخابات تعاونی ها و اتاق های تعاون؛ داوطلبان تصدی هیات مدیره و بازرسان موظفند، حداکثر ظرف مدت پنج روز پس ازتاریخ انتشار آگهی دعوت مجمع عمومی(تا تاریخ ۱۴۰۱/۰۵/۰۹) درخواست کتبی خود را برابر فرم مصوب تکمیل و بهمراه مدارک لازم جهت بررسی و تایید صلاحیت، تحویل شرکت تعاونی و یا اداره تعاون شهرستان نمایند و رسید دریافت نمایند.

۲ - به موجب ماده ۱۹ آئین نامه نحوه تشکیل مجامع عمومی؛ تعداد آراء وکالتی هر عضو حداکثر ۳رأی و هرشخص غیرعضو تنها یک رأی خواهد بود و اعضای متقاضی اعطای نمایندگی، می‌بایست به‌همراه نماینده خود حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۱/۰۶/۰۴ در محل شرکت حاضر تا پس از احراز هویت و تأیید وکالت، برگه ورود به مجمع را دریافت دارند.

دستور جلسه: - انتخاب اعضای اصلی و علی البدل هیئت مدیره. - انتخاب بازرسان اصلی و علی البدل. - تصویب ترازنامه و صورتهای مالی سال ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰

هیئت مدیره شرکت تعاونی

مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

فراخوان ساماندهی رودخانه ، حد فاصل پل سپیده تا پل زریزین (مرحله سوم - نوبت دوم)

۹۹۷۹ ـ ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

شهرداری بانه در نظر دارد با عنایت به مجوز شماره ۱۷۰۲ - ۱۴۰۰/۱۲/۲۶ شورای اسلامی شهر ، فراخوان ساماندهی رودخانه ، حد فاصل پل سپیده تا پل زریزین با مبلغ برآورد ۴۹/۴۶۵/۹۲۰/۵۴۷ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.

کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

مواعد زمانی:

- تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۱/۰۵/۰۴
- مهلت دریافت اسناد فراخوان: تا ساعت ۱۹ روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۱/۰۵/۰۹
- مهلت ارسال پیشنهادات: تا ساعت ۱۹ روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۱/۰۵/۲۳
- زمان بازگشایی پاکت ها: دوشنبه تاریخ ۱۴۰۱/۰۵/۲۴

نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار:

ضمانتنامه بانکی ، فیش بانکی (وجه نقد) - مبلغ تضمین : ۲/۴۷۳/۲۹۶/۰۲۷ ریال

اطلاعات تماس و آدرس دستگاه :

آدرس - شهرستان بانه ، بلوار شهرداری ، شهرداری بانه و تلفن - ۰۸۷۳۴۲۳۰۵۵۰ - ۰۸۷۳۴۲۲۲۱۷۱

م الف ۴۹

سروه قادرخانزاده
شهردار بانه

آگهی مزایده فروش خودرو شماره ۱۴۰۱/۱۲۰۶

شرکت نمایشگاههای بین المللی استان قزوین (سهامی خاص) در نظر دارد خودرو با مشخصات ذیل را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند . لذامتقاضیان محترم می توانند جهت بازدید خودرو تا پایان وقت اداری روز سه شنبه۱۴۰۱/۰۵/۱۸ از ساعت ۹ لغایت ۱۴ به واحد اجرائی شرکت نمایشگاههای بین المللی استان قزوین واقع در انتهای بلوار سردار شهید حاج قاسم سلیمانی جنب صدا و سیما مراجعه نموده و در صورت تمایل به شرکت در مزایده اسناد مربوطه را دریافت نمایند و پیشنهادهای کتبی خود را تا پایان وقت اداری همان روز در پاکت دربسته به دبیرخانه شرکت تحویل نموده و رسید اخذ نمایند.

ردیف	نوع خودرو	رنگ	مدل	شماره پلاک	شماره شاسی	مبلغ سپرده
۱	سواری زوتی Z۳۰۰	سفید	۲۰۱۴	۳۷ص۸۴۹– ایران ۷۹	۶۲۲۶۳-ED	۳۶۷,۵۰۰,۰۰۰

شرایط شرکت در مزایده :

۱.پرداخت سپرده تضمین شرکت در مزایده به شماره حساب ۲۱۰۳۳۵۹۰۵۰ نزد بانک تجارت شعبه پادگان به نام شرکت نمایشگاههای بین المللی استان قزوین و یا ارائه ضمانت نامه بانکی به همین مبلغ

۲. نحوه دریافت وجه از برنده مزایده به صورت نقدی (واریز به حساب شرکت)خواهد بود

۳. به پیشنهادات مبهم ، مخدوش ، مشروط یا فاقد سپرده بانکی یا اسنادی که بعد از وقت مقرر و تاریخ اعلام شده تحویل گردد ترتیب اثر داده نخواهد شد .

۴. شرکت در رد یا قبول یک یا تمام پیشنهادات مختار است .

۵ . پرداخت ۹٪ مالیات بر ارزش افزوده ، هزینه کارشناسی و هزینه آگهی در تمام مراحل مزایده ، تنظیم سند ، دفترخانه و وکالت از هر نوع به عهده برنده مزایده خواهد بود .

۶. تاریخ توزیع اوراق و بازدید از ۱۴۰۱/۰۵/۰۴ لغایت ۱۴۰۱/۰۵/۱۸ از ساعت ۹ لغایت ۱۴ میباشد .

۷ . آخرین مهلت تحویل پاکات به دبیرخانه شرکت پایان وقت اداری روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۱۸ میباشد .

۸. تاریخ بازگشایی پاکات ۱۴۰۱/۰۵/۱۹ ساعت ۱۴ در دفتر مدیرعامل شرکت میباشد.

شرکت نمایشگاههای بین المللی استان قزوین (سهامی خاص)

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه خانم آمنه زندانی باغی نیا به موجب وکالت شماره ۶۰۰۱۵ مورخ ۱۴۰۰/۰۷/۱۷ تنظیمی دفترخانه ۷ میناب با تسلیم دو برگ استشهادیه محلی گواهی شده توسط دفترخانه اسناد رسمی شماره ۷ حوزه ثبتی این شهرستان (میناب) مدعی است که سند ششدانگ یکباب خانه مساحت ۱۸۳/۹۸ متر مربع به شماره پلاک ۹۹۶ فرعی از ۱۰۴۹-اصلی واقع در محله ولیعصر قطعه ۲ بخش ۴ میناب, تحت شماره سریال ۱۹۵۷۴۹ سری الف ۹۳ بنام رضا پور سلیمان زاده فرزند محمد ثبت و مستقر گردید سپس به موجب نامه شماره ۱۴۰۰۴۰۹۹۰۰۰۹۸۳۸۹۷۱ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۰۵ شعبه دوم دادیاری دادسرای نظامی استان هرمزگان توقیف می باشد و به علت جابجایی مفقود گردیده است و در نتیجه در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت تقاضا صدور سند مالکیت المثنی نسبت به پلاک فوق الذکر را نموده اند بدین وسیله مراتب در یک نوبت جهت اطلاع عموم آگهی تا چنانچه هرکس مدعی انجام معامله نسبت به ملک مذکور ویا مدعی وجود اصل سند مالکیت نزدخود می باشد اعتراض خود را ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار این آگهی با ارائه اصل سند مالکیت ویا سند انتقال به اداره ثبت اسناد واملاک میناب تسلیم نماید بدیهی است در صورت انقضاء مهلت مقرر قانونی وعدم وصول واخواهی ویا در صورت وصول اعتراض وعدم ارائه اصل سند مالکیت ویا سند انتقال نسبت به صدور سند مالکیت المثنی بنام مالک وفق مقررات اقدام خواهد شد. م/الف ۲۰۷۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۵/۴

عقیل قاسمی ـ رئیس اداره ثبت اسناد واملاک میناب

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای جلیل عادل فر فرزند کرم با تسلیم دو برگ استشهادیه محلی گواهی شده توسط دفترخانه اسناد رسمی شماره ۲۸ حوزه ثبتی این شهرستان (میناب) مدعی است که سند ششدانگ یک بابخانه به مساحت ۹۰۴/۱۴ متر مربع به شماره پلاک ۶۶۸ فرعی از ۵۷۰-اصلی واقع در قریه بندرک قطعه ۲ بخش ۵ میناب, بنام نامبرده ثبت و مستقر گردیدسپس به موجب نامه شماره ۹۱۰۹۹۸۷۶۵۷۰۰۰۱۶۶ مورخ ۱۳۹۱/۰۲/۱۳ دادستان عمومی و انقلاب میناب توقیف گردید و به علت جابجایی مفقود گردیده است و در نتیجه در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت تقاضا صدور سند مالکیت المثنی نسبت به پلاک فوق الذکر را نموده اند بدین وسیله مراتب در یک نوبت جهت اطلاع عموم آگهی تا چنانچه هرکس مدعی انجام معامله نسبت به ملک مذکور ویا مدعی وجود اصل سند مالکیت نزدخود می باشد اعتراض خود را ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار این آگهی با ارائه اصل سند مالکیت ویا سند انتقال به اداره ثبت اسناد واملاک میناب تسلیم نماید بدیهی است در صورت انقضاء مهلت مقرر قانونی وعدم وصول واخواهی ویا در صورت وصول اعتراض وعدم ارائه اصل سند مالکیت ویا سند انتقال نسبت به صدور سند مالکیت المثنی بنام مالک وفق مقررات اقدام خواهد شد.

م/الف ۲۰۷۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۵/۴

عقیل قاسمی ـ رئیس اداره ثبت اسناد واملاک میناب

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند (موضوع ماده ۳قانون وماده ۱۳ آیین نامه)

هیات حل اختلاف مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان میاندوآب بشرح زیر تصرفات مفروزی ومالکانه اشخاص را تایید وبه جهت عدم دسترسی به مالکین مقرر شده است پس از نشر آگهی سند مالکیت رسمی صادر وتسلیم گردد و علیهذا در اجرای ماده ۳ قانون مذکور و آیین نامه اجرایی آن مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵روز جهت اطلاع مالکین مشاعی و سایر صاحبان حقوق آگهی می شود و چنانچه اشخاص اعتراض داشته باشند حداکثر ظرف مدت دوماه از انتشار اولین آگهی اعتراض کتبی خود را مستقیما به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان میاندوآب تسلیم نموده و باید یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراضی به اداره ثبت اسناد و املاک دادخواست بمرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نمایند در غیر اینصورت سند مالکیت مورد تقاضای متصرف براساس مدلول رای صادره در حدود ومقررات صادر خواهد شد وصدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود

۱ - رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۱۳۰۰۶۰۰۱۷۶۵ مورخه ۱۴۰۱/۰۴/۲۱تقاضای اقای ابراهیم رستم نژاد فرزند صدر منبی بر صدور سند مالکیت ششدانگ یک باب خانه قسمتی از پلاک فرعی از ۴اصلی بخش ۷مراغه حوزه ثبتی میاندوآب واقع در قره ورن خریداری شده از احمد پاشاوند به شماره پرونده ۱۴۰۰-۵۲۹هیات به مساحت ۹۹/۸۰متر مربع که برای آن پلاک ۴۳۳۹فرعی تعیین شده است م الف ۹

تاریخ انتشار نوبت اول روز سه‌شنبه ۱۴۰۱/۰۵/۰۴

تاریخ انتشار نوبت دوم روز:چهارشنبه ۱۴۰۱/۰۵/۱۹

سعید سیفی ـ سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک میاندوآب

آگهی رای هیات قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آراء صادره هیات تعیین تکلیف مستقر در ثبت اسناد و املاک شهرستان سنندج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضیان ذیل تایید گردیده لذا بدین وسیله مشخصات املاک در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز جهت اطلاع عموم در روزنامه کثیرالانتشاروملی آگهی میگردد درصورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشاراولین آگهی و درروستاها از تاریخ الصاق در محل تا مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم نمایند و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضائی تقدیم نموده و گواهی اخذ و تحویل اداره ثبت نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکوروعدم وصول اعتراض سند مالکیت طبق مقررات صادر خواهد شد. صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نیست .

تاریخ نوبت اول :۱۴۰۱/۵/۴ تاریخ نوبت دوم: ۱۴۰۱/۵/۱۹

بخش ۳:

۱ - ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به نام خانم فاطمه سلیمی فرزند عباس شماره شناسنامه ۱۰۰۱ صادره سنندج کد ملی ۳۷۳۰۸۰۷۸۷۰ تحت پلاک ۸۵۰ فرعی از ۲۷۳۳ اصلی بخش ۳ سنندج به مساحت۹۶۵۸/۹۸ متر مربع که از نسق آقای اسعد وزیزری به آدرس سنندج روستای نران زمین مشهور به تایله یابیکه م الف۱۸۱۰

بهنام قباد ـ رئیس ثبت منطقه یک سنندج

آگهی تغییرات شرکت عمران و ساختمان آیت مهر ایثار سهامی خاص (در حال تصفیه) به شماره ثبت ۲۹۸۹۶۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۳۷۳۳۶۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : - عملکرد مالی مدیر تصفیه منتهی به ۱۴۰۰/۱۲/۲۹ مورد تصویب قرار گرفت.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۱۳۵۶۰۹۹)

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده
شرکت استخراج و فرآوری مواد اولیه شیشه (سهامی خاص)
به شماره ثبت ۲۰۶۵۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۶۲۰۰۳

از کلیه سهامداران شرکت استخراج و فرآوری مواد اولیه شیشه (سهامی خاص) به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۶۲۰۰۳ و شماره ثبت ۲۰۶۵۳ دعوت می شود در جلسه مجمع عمومی فوق العاده شرکت که در روز چهارشنبه ۱۴۰۱/۰۵/۱۹ ساعت ۱۴ در محل سالن اجتماعات شرکت شیشه قزوین به نشانی تهران خیابان مطهری خیابان شهید سرافراز پلاک ۱۳ طبقه همکف تشکیل می شود شرکت نمایند.

دستور جلسه : ۱ - اتخاذ و تصمیم مجمع عمومی فوق العاده شرکت در خصوص نقل و انتقال سهام از شرکت توسعه صنعت و تجارت به شرکت شیشه قزوین ۲ - سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده میباشد.

هیات مدیره شرکت